

بررسی میزان به کارگیری الگوهای نوین یاددهی - یادگیری در مدارس ابتدایی (دخترانه) شهر همدان

گلزار شیرازی^۱، حسین شمس^۲

^۱ دبیر آموزش و پرورش (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان به کارگیری الگوهای نوین یاددهی - یادگیری جویس و همکاران در مدارس ابتدایی (دخترانه) شهر همدان انجام شد. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی و جامعه آماری شامل تمامی آموزگاران دوره ابتدایی مدارس دخترانه شهر همدان در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ مشتمل بر ۳۲۵ نفر بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای و جدول کرجسی و مورگان حجم نمونه‌ای برابر ۱۷۷ انتخاب شد. از روش آمار توصیفی مانند جدول فراوانی، درصد میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره و آمار استنباطی کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون t تک گروهی جهت تحلیل سؤالات تحقیق، آلفای کرونباخ برای تعیین ضرایب پایایی متغیرها استفاده شد. مؤلفه‌های اصلی پرسش‌نامه ۳۶ سؤال محقق ساخته از کتاب الگوهای تدریس جویس و همکاران استخراج شد. صحت روایی صوری و محتوایی مورد تأیید اساتید گروه علوم تربیتی قرار گرفت و پایایی کل پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۴ و پایایی ۴ مؤلفه اطلاعات پردازی، الگوهای اجتماعی، الگوهای انفرادی و سیستم‌های رفتاری به ترتیب برابر با ۰/۹۴ - ۰/۷۵ - ۰/۸۳ - ۰/۷۸ به دست آمد که نشان می‌دهد پرسش‌نامه پایایی قابل قبولی دارد. نتایج به دست آمده نشان داد که میانگین نمونه در به کارگیری الگوهای نوین یاددهی - یادگیری (کل) و ۴ گروه الگوهای یاددهی و یادگیری از نمره معیار بیشتر و به کارگیری این الگوها در فرایند تدریس توسط معلمان در جامعه موردنظر در سطح بالایی قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: الگوهای نوین یاددهی - یادگیری، اطلاعات پردازی، الگوهای اجتماعی، الگوهای انفرادی، سیستم‌های رفتاری

مقدمه

اهمیت یادگیری بهتر، روش‌های تدریس و تسلط معلمان بر روش‌ها و فنون آموزشی و تربیتی نوین همواره موردنظر محققین و دانشمندان علوم تربیتی بوده و یکی از ملاک‌های شایستگی معلمان است. بسیاری از صاحب‌نظران این ملاک را بر دیگر ملاک‌های صلاحیت معلمان ترجیح می‌دهند که هر چه در این امر مسلط باشند در کار خود موفق‌تر عمل خواهند کرد (شعبانی، ۱۳۹۱). همان‌گونه که معیری (۱۳۸۰) اشاره می‌کند: در جامعه امروز، آموزش و پرورش تنها وسیله دسترسی به تکنیک قوی‌تر، توسعه و پیشرفت بیشتر است. امروز همه ملت‌ها با هر نظام سیاسی و اجتماعی پیشرفته و در حال پیشرفت به مسئله تربیت توجه دارند. این توجه بی‌دلیل نیست و بر منطق قوی بنیاد شده است. در این میان مسئولیت مدرس که وظیفه آموزش و انتقال دانش و علوم به فراگیران را بر عهده دارد، برجسته خواهد شد. اگر به این باور رسیده باشیم که نقش مدرس، به جای انتقال صرف دانش و آموخته‌ها به دانشجویان، فراهم ساختن محیطی مطلوب برای یادگیری است، باید بپذیریم که ابزار این کار چیزی فرای روش‌های سنتی تدریس است. مدرس عملکردها و نقش‌های چندگانه‌ای را در کلاس ارائه می‌کند که ترکیبی از شخصیت، قابلیت‌های شغلی و دانش روانشناسانه اوست. نقش او عبارت‌اند از: الگو بودن، حمایتگری، الزام‌کنندگی، راهنمایی، رشد دهنده فکر و مهارت‌ها، شنوندگی، میزبانی، پرورش دهنده جسم، درگیر کننده، برانگیزاننده تخیل، متعادل‌کننده دوستی، شریک بودن و فراهم‌کننده منافع (گالبریس، ۲۰۰۱).

تاریخچه این مطالعات نیز نشان می‌دهد، روش‌های تدریس در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، ایجاد انگیزه و رضایت خاطر، پرورش شخصیت و در رشد خلاقیت آنان مؤثر است. لذا وظیفه معلمان در فرایند تدریس تنها انتقال واقعیت‌های علمی به دانش آموزان یا فراگیران نیست بلکه باید موقعیت و شرایط مطلوب یادگیری را فراهم نمایند (شعبانی، ۱۳۹۵).

یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش خصوصاً در کشور ما، به کار نگرفتن روش‌های تدریس نوین در آموزش است به همین دلیل کیفیت آموزشی از سطح مطلوب برخوردار نیست و دانش آموزان علاقه زیادی به تحصیل نشان نمی‌دهند. یکی از دلایل آن عدم آشنایی معلمان با روش‌های نوین تدریس است. پیشرفت روزافزون علوم و تحقیقات گوناگون در حیطه‌های مختلف حاکی از آن است که اطلاعات بشر روزبه‌روز افزایش می‌یابد و مطالب جدیدی به دست می‌آید. امروزه هر فرد بشر ناچار از استفاده یافته‌های جدید است. روش تدریس فعال و نوین که در آن مشارکت دانش‌آموز و معلم را می‌طلبد و به جای انتقال مطالب به دانش‌آموز، به افزایش توانایی یادگیرنده در فرایند یادگیری عنایت دارد. به دلایل متعدد از جمله تأکید بر اصولی از کلیات نظام آموزش و پرورش کشور و اهداف دوره‌های تحصیلی، نگرش‌های جهانی، رشد روزافزون تحقیقات، سرعت فناوری و تکنولوژی، ضرورت کاربست روش‌های نوین یاددهی-یادگیری را می‌طلبد. با به کارگیری شیوه‌های نوین تدریس، علایق و توانمندی‌های دانش‌آموز در مرکز توجه قرار می‌گیرد و معلم تلاش می‌کند تا توانایی دانش‌آموزان را در مهارت گوش دادن، گفتن، خواندن، نوشتن، استدلال، مقایسه، تطبیق، تجزیه و تحلیل، سازندگی و خلاقیت تقویت کند و با توجه به این موضوع محتوای درس را در کلاس ارائه دهد (سیف، ۱۳۹۲). باینکه تدریس، در متون علوم تربیتی مفهومی آشنا به نظر می‌رسد و اکثر معلمان و مجریان برنامه‌های درسی بامعنی و ماهیت آن آشنایی دارند اما برداشت‌های مختلف معلمان از مفهوم آن می‌تواند در نگرش آنان نسبت به دانش آموزان و نحوه کار کردن با آن‌ها تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد. یادگیری نیز یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها در روان‌شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف است و لذا از آن تعریف‌های مختلفی شده است؛ اما با اذعان به تفاوت‌های موجود بین تدریس و یادگیری، نمی‌توان گفت که این دو، فرایندهایی نامرتبط

می‌باشند. در حقیقت هر دو به هم وابسته هستند. به‌طوری‌که یادگیری هدف و تدریس عامل رسیدن به این هدف است. باوجوداین وابستگی، یادگیری و تدریس دو فرایند مستقل به شمار می‌روند (مهر محمدی، ۱۳۹۲). ازاین‌رو معلمان قبل از بررسی و انتخاب روش‌های تدریس، بایستی چگونگی فرایند یادگیری را مورد مطالعه قرار دهند، چراکه انتخاب روش تدریس امری علمی است که بر اصول معینی استوار است، امکان دست‌یابی به هدفی مطلوب را تضمین می‌کند و برحسب ماده درسی متفاوت است (وکیلان، ۱۳۹۰)؛ بنابراین شناخت و آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری و الگوهای تدریس اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه مراکز آموزشی جایگاهی برای نظارت، هدایت و یادگیری هستند و معلم نقش راهنما، ناظر و سازمان دهنده‌ای را دارد که پا به پای دانش‌آموز مسیر آموزشی را طی می‌کند و به او کمک می‌کند تا درس را به‌طور عمیق و از روی علاقه یاد بگیرد (منصوری جمشیدی، ۱۳۹۴). الگوهای تدریس درواقع الگوهای یادگیری‌اند و معلمان درحالی‌که به دانش‌آموزان خود اطلاعات می‌دهند نحوه یادگیری درست را نیز به آن‌ها می‌آموزند (عزیزی فتاح آباد و همکاران، ۱۳۹۶).

الگوهای یاددهی و یادگیری مدلی بسیار جامع است که می‌تواند یادگیری اطلاعات و مهارت‌های بنیادی را افزایش دهد و در حوزه موضوعات مختلف کارکرد و کاربرد داشته باشد. جوین و همکاران (۲۰۱۱) الگوهای یاددهی و یادگیری را به چهار خانواده الگوهای پردازش اطلاعات، الگوهای اجتماعی، الگوهای انفرادی و الگوهای نظام‌های رفتاری تقسیم می‌کنند. معیار اصلی در انتخاب الگوها در هر یک از این خانواده‌ها، قابلیت کاربرد گسترده الگوها است. ضمن اینکه با توجه به انطباق پذیر بودن الگوهای تدریس، می‌توان آن‌ها را به تناسب سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان و مواد درسی تنظیم نمود (جوی، کالهن و هاپکینز، ۲۰۱۱). در زیر به توضیح مختصر این الگو می‌پردازیم.

۱- خانواده الگوهای اطلاعات پردازش شامل: دریافت مفهوم، یادگیری به شیوه استقرایی، کاوشگری علمی و ورزیدگی در کاوشگری، حفظ کردن، بدیعه پردازش و پیش سازمان دهنده است. خانواده پردازش اطلاعات همان‌طوری که از اسمشان پیداست، در پردازش اطلاعات به دانش‌آموزان و فراگیران کمک می‌کنند. علاوه بر این دانش‌آموزان در حین جمع‌آوری اطلاعات و کار روی آن‌ها، معمولاً دانش را به شکل مشاهدات یا داده‌هایی از منابع و کتاب‌ها به دست می‌آورند و دانش را در سطح سازمان‌یافته‌تری ایجاد می‌کنند. بدین ترتیب این الگو با طبقه‌بندی ساده شروع می‌شود و سطح آن تا ساختار دانش رشته‌های علمی و نهایتاً تا دانش نظری و تئوری و راه‌های مختلفی که تئوری‌ها ساخته می‌شوند گسترش می‌یابد (نقش‌بندی، مصطفی‌ای، امینی و سلیمی، ۱۳۹۶).

۲- خانواده الگوهای اجتماعی شامل: ایفای نقش، بررسی گروهی، کاوشگری اجتماعی و یاران در یادگیری است. وقتی باهم کار می‌کنیم یک انرژی جمعی بانام سینرژی (هم‌افزایی) تولید می‌کنیم. الگوهای اجتماعی تدریس به‌وسیله تشکیل گروه‌های یادگیری، این پدیده استفاده می‌کنند. این الگوها ازاین‌جهت که همگی مهارت‌های اجتماعی و سینرژی را افزایش می‌دهند و درنهایت در دانش‌آموزان و فراگیران تعهد اجتماعی ایجاد می‌کند و ابزارهایی را برای مشارکت در بالاترین اشکال جریان دموکراتیک برای دانش‌آموزان فراهم می‌نمایند، مشترک هستند. الگوهای اجتماعی تدریس به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا از طریق بررسی جمعی، ساخت دانش را فراگیرند و از لحاظ تعامل اجتماعی دامنه اهداف اجتماعی را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند (منصوری، جمشیدی، ۱۳۹۴).

۳- خانواده الگوهای انفرادی شامل: توسعه مفهوم مثبت از خویش، خودشکوفایی و تدریس غیرمستقیم است. خانواده الگوهای تدریس فردی با چشم‌انداز شخصیتی یک فرد، آغاز می‌شوند و کوشش و تلاش می‌کنند آموزش و پرورش را به‌گونه‌ای شکل دهند تا دانش‌آموزان خود را بهتر درک کنند، مسئولیت آموزش و پرورش خود را بر عهده گیرند و یاد بگیرند به حدی فراتر از رشد فعلی خود برسند. الگوهای تدریس فردی به دیدگاه فرد توجه زیاد می‌کند و درصدد

هستند تا استقلال سازنده را در فرد تشویق نمایند تا افراد به طور فزاینده‌ای خودآگاه شوند و مسئولیت سرنوشت خودشان را به عهده گیرند (اسباره، ۱۳۹۵).

۴- خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری شامل: یادگیری تسلط آموزی (یادگیری برای یادگیری در حد ورزیدگی)، یادگیری از طریق شبیه‌سازها و آموزش مستقیم است (بهرنگی، ۱۳۹۶). در این خانواده انسان به‌منزله سیستم‌های ارتباطی خود اصلاح‌گر در نظر گرفته می‌شود که در واکنش نسبت به اطلاعات دریافت شده در مورد نحوه انجام موفقیت‌آمیز وظایف رفتار خود را تغییر می‌دهد (پاسبان، ۱۳۹۵).

بنابراین با توجه به اهمیت و جامعیتی که به‌کارگیری الگوهای یاددهی و یادگیری جویس و همکاران (۲۰۱۱) در فرایند یادگیری فراگیران دارند، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این هدف است تا میزان به‌کارگیری الگوهای یاددهی و یادگیری جویس و همکاران را در شهر همدان مورد پژوهش قرار دهد.

با توجه به اهمیت موضوع الگوهای یاددهی و یادگیری، مروری بر پژوهش‌های مرتبط با تحقیق موردنظر ما را در این زمینه کمک خواهد کرد.

ازجمله نتایج تحقیقات پیشین، حبیبی (۱۳۸۸) در خصوص بررسی عملکرد معلمان در به‌کارگیری الگوهای تدریس نشان می‌دهد که آشنایی و به‌کارگیری این الگوها در فرایند یاددهی و یادگیری مدارس ما، در سطحی نازل و پایین قرار دارد. حسینی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود گزارش کرده که استفاده نکردن از الگوهای تدریس بزرگ‌ترین ضعف مدارس ماست و برای این مشکل الگوهای جدید تدریس باید به مدارس آورده شود. یکی از مشکلات نظام آموزشی در کشور، استفاده نکردن از الگوهای تدریس در مدارس به دلیل عدم آموزش و تجربه کافی در معلمان است. نتایج تحقیقات سیمانپور (۱۳۸۴) نیز نشان می‌دهد که میزان آشنایی و مهارت معلمان در به‌کارگیری الگوهای تدریس پایین‌تر از سطح مطلوب قرار دارد و برای رسیدن به سطح مطلوب، نیازمند برگزاری دوره‌ها و رده‌های آموزشی متعدد هستیم. لک هندی (۱۳۸۲) در پژوهش خود با عنوان (بررسی میزان آشنایی معلمان دوره راهنمایی با الگوهای تدریس و میزان کاربرد آن‌ها در فرایند تدریس) به این نتایج دست یافت که معلمان بیش از سطح متوسط با الگوهای پردازش اطلاعات، الگوهای اجتماعی تدریس، الگوهای تدریس فردی و الگوهای سیستم‌های رفتاری تدریس آشنایی دارند. همچنین معلمان بیش از سطح متوسط الگوهای مذکور را در فرایند تدریس به کار می‌گیرند و نیز میزان آشنایی و سطح کاربرد الگوهای تدریس از نظر معلمانی که در دوره‌های ضمن خدمت الگوهای تدریس شرکت نموده‌اند و آن‌هایی که در این دوره‌ها شرکت نکرده‌اند تفاوت معنادار وجود دارد. جلالی و نظری (۱۳۸۱) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر آموزش الگوهای یادگیری اجتماعی بر عزت‌نفس، اعتمادبه‌نفس، رفتارهای خود ابرازی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس سوم دوره راهنمایی» به این نتیجه دست یافتند که میانگین نمرات عزت‌نفس، اعتمادبه‌نفس، رفتارهای خود ابرازی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به‌صورت معناداری بهبود یافته بود ولی رابطه معناداری میان اثربخشی آموزش الگوی یادگیری اجتماعی با مناطق مختلف آموزشی و جنسیت مشاهده نشد. چانک و رو (۲۰۰۴) به پژوهشی با عنوان «بررسی مهارت حل مسئله بر خود کارآمدی و خلاقیت کودکان در تدریس موضوع‌های هنری کاربردی» پرداختند و نتایج آن پیشرفت خلاقیت و خود کارآمدی را در گروه آموزشی نشان داد. ملکوتی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود با عنوان «تدریس در گروه‌های کوچک (بحث گروهی)» به این نتیجه دست یافت که کار و بحث گروهی، فراگیران را با مشکلاتی که در بزرگ‌سالی بر سر راه زندگی اجتماعی آن‌ها وجود دارد آشنا می‌کند و راه مقابله و برطرف کردن مشکلات را به آنان می‌آموزد. درواقع این نوع آموزش، تمرینی کوچک برای رسیدن به زندگی اجتماعی بهتر است. در جریان کار گروهی فراگیر

علاوه بر تجربه‌اندوزی در تقسیم‌کار و مسئولیت‌پذیری، تجربیاتی نیز در زمینه مدیریت و فعالیت‌ها به دست می‌آورد. همچنین بحث گروهی باعث یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود. حیدری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه تأثیر تدریس به روش سخنرانی با بازخورد و سخنرانی به روش سنتی بر میزان یادگیری و کیفیت تدریس» به این نتیجه دست یافتند که اطلاعات دموگرافیک کیفیت تدریس از دیدگاه دانشجویان، نمرات کلی و طبقه‌ای پیش‌آزمون، نمرات کلی پس‌آزمون بلافاصله پس از تدریس در گروه مشابه بود. نتایج نمرات طبقات یادگیری این پس‌آزمون در سطوح دانش و درک و فهم مشابه بودند ولی نمرات طبقات کاربرد و تجزیه و تحلیل تفاوت‌های معناداری را در گروه نشان دادند. همچنین نمرات کلی و طبقه‌ای پس‌آزمون ۴ ماه بعد در دو گروه متفاوت نبود. اکبری و رجایی پور (۱۳۸۹) در طرح پژوهشی خود با عنوان «تأثیر شیوه‌های مختلف تدریس در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت دبیران» میزان تأثیر شیوه تدریس، حل مسئله، پروژه و سخنرانی را در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش خدمت موردبررسی قرار دادند، یافته‌ها نشان داد که روش‌های حل مسئله و پروژه بیش از سطح متوسط ولی روش سخنرانی کمتر از سطح متوسط در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت و به‌کارگیری روش تدریس سخنرانی تأثیر زیادی در افزایش کیفیت این دوره‌ها نداشته است. زمانی (۱۳۸۱) در طرح پژوهشی خود با عنوان «ارائه الگوهای جدید تدریس در مقطع ابتدایی» به این نتیجه دست یافت که روش‌های جدید تدریس موجب شور و نشاط فراگیران و ایجاد علاقه و باعث بالا بردن انگیزه آن‌ها نسبت به محیط آموزشی شده است. نتایج پژوهش نظری و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان (بررسی میزان به‌کارگیری الگوهای نوین یاددهی- یادگیری در مدارس ابتدایی) نشان داد که به‌کارگیری الگوهای نوین یاددهی- یادگیری و از بین زیرمجموعه آن‌ها الگوی اطلاعات پردازشی و الگوهای اجتماعی در جامعه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. همچنین به‌کارگیری الگوهای انفرادی و سیستم رفتاری در فرایند تدریس توسط معلمان در جامعه در سطح متوسط قرار است. سانی (۲۰۰۴) به بررسی فراشناخت در بزرگسالان و مدرسان پرداخت. وی دریافت که فراشناخت با سن و تجارب تدریس افزایش می‌یابد. نتیجه جالب توجه دیگر این بود که معلمان سطوح مختلف تحصیلی از پیش‌دبستانی تا دانشگاه، نتایج پرسشنامه آگاهی‌های فراشناختی آنان مشابه بود. درحالی‌که پیچیدگی و جزئیات محتوا با سطوح تحصیلی بالاتر افزایش می‌یابد اما باین وجود نتایج این تحقیق نشان داد که آگاهی‌های معلمان از راهبردهای یادگیری به همان نسبتی که برای تدریس در دبیرستان و دانشکده قوی است در میان معلمانی که به دانش آموزان سطوح پایین‌تر تدریس می‌کنند، نیز قوی است. اسمیت (۲۰۰۵) به اهمیت دانش فراشناختی مدرسان در طراحی و تصمیم‌گیری تدریس اثربخشی آن‌ها اشاره داشته است. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که مدرسانی که از مهارت دانش فراشناختی بالایی برخوردارند قابلیت بالایی در مرحله پیش از تدریس و برنامه‌ریزی برای کلیه مراحل تدریس دارند. جیلز (۲۰۰۳) در نتایج تحقیقات خود چنین بیان می‌کند که یادگیری مشارکتی در ایجاد نگرش مثبت نسبت به همسالان و همکلاسی‌ها با فرهنگ و زمینه اجتماعی متفاوت و نیز کودکان با نیازهای گوناگون یادگیری مؤثر بوده و همچنین یادگیری مشارکتی در ایجاد تعامل کودکان با نیازهای گوناگون با دیگر بچه‌ها و کار کردن با یکدیگر مؤثر است. در پژوهش محققان و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «شناخت و کاربرد الگوهای نوین تدریس در میان اساتید گروه علوم انسانی» نتایج حاکی از آن بود که استادان، علاوه بر اینکه الگوهای نوین تدریس را بیش‌ازحد متوسط می‌شناسند، آن‌ها را بیش‌ازحد متوسط در فرایند تدریس به کار می‌گیرند. همچنین بین نظرات اساتید گروه علوم انسانی در شناخت و به‌کارگیری این الگوها با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی تفاوت معنادار وجود داشته، اما برحسب (دانشکده محل خدمت و رشته تحصیلی) تفاوت معنادار نبوده است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- شناخت و به‌کارگیری الگوهای نوین یاددهی و یادگیری جویس و همکاران در مدارس ابتدایی دخترانه شهر همدان در فرایند تدریس در چه حدی است؟
- ۲- شناخت و به‌کارگیری خانواده الگوهای اطلاعات پردازی جویس و همکاران در مدارس ابتدایی دخترانه شهر همدان در فرایند تدریس در چه حدی است؟
- ۳- شناخت و به‌کارگیری خانواده الگوهای اجتماعی جویس و همکاران در مدارس ابتدایی دخترانه شهر همدان در فرایند تدریس در چه حدی است؟
- ۴- شناخت و به‌کارگیری خانواده الگوهای انفرادی جویس و همکاران در مدارس ابتدایی دخترانه شهر همدان در فرایند تدریس در چه حدی است؟
- ۵- شناخت و به‌کارگیری خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری جویس و همکاران در مدارس ابتدایی دخترانه شهر همدان در فرایند تدریس در چه حدی است؟

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کمی از نظر روش توصیفی-پیمایشی، از نظر هدف کاربردی، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در روش مقطعی گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک‌زمان واحد از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی آموزگاران مدارس دخترانه دوره ابتدایی مشتمل بر ۳۲۵ نفر است. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (نفر) برابر ۱۷۷ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شد.

جدول (۱) توزیع نمونه مورد مطالعه برحسب ویژگی‌های جمعیت‌شناسی

متغیر	فراوانی	درصد
میزان تحصیلات		
کاردانی	۳۹	۲۱/۸
کارشناسی	۱۰۹	۶۰/۹
کارشناسی ارشد	۲۳	۱۲/۸
دکتری	۱	۰/۶
سایر	۵	۲/۸
اظهارنشده	۲	۱/۱
سابقه خدمت		
کمتر از ۵ سال	۸	۴/۵
۶ تا ۱۰ سال	۳۳	۱۸/۴
۱۱ تا ۱۵ سال	۲۶	۱۴/۵
۱۶ تا ۲۰ سال	۲۲	۱۲/۳
۲۱ تا ۲۵ سال	۲۲	۱۲/۳
۲۶ تا ۳۰ سال	۶۱	۳۴/۱

بالاتر از ۳۰ سال	۱	۰/۶
اظهاری نشده	۶	۳/۴
تربیت معلم	۱۱۸	۶۵/۹
سایر دانشگاه‌ها	۵۹	۳۳
محل تحصیل	۲	۱/۱
اظهاری نشده		

بر اساس داده‌های جدول (۱)، نمونه مورد مطالعه شامل ۱۷۹ نفر از معلمان زن مدارس ابتدایی شهر همدان است که تحصیلات ۳۹ نفر (۲۱/۸٪) کاردانی، ۱۰۹ نفر (۶۰/۹٪) کارشناسی، ۲۳ نفر (۱۲/۸٪) کارشناسی ارشد و ۱ نفر (۰/۶٪) دکتری است. ۵ نفر (۲/۸٪) سایر مدارک تحصیلی را دارند، ۲ نفر (۱/۱٪) میزان تحصیلات خود را ذکر نکرده‌اند. سابقه خدمت ۸ نفر (۴/۵٪) کمتر از ۵ سال، ۳۳ نفر (۱۸/۴٪) بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۶ نفر (۱۴/۵٪) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۲۲ نفر (۱۲/۳٪) بین ۱۶ تا ۲۰ سال، ۲۲ نفر (۱۲/۳٪) بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۶۱ نفر (۳۴/۱٪) بین ۲۶ تا ۳۰ سال است. همچنین تنها ۱ نفر (۰/۶٪) سابقه بالاتر از ۳۰ سال دارد و ۶ نفر (۳/۴٪) تحصیلات خود را ذکر نکرده‌اند. ۱۱۸ نفر (۶۵/۹٪) فارغ التحصیل تربیت معلم و ۵۹ نفر (۳۳٪) سایر دانشگاه‌ها هستند. ۲ نفر (۱/۱٪) نیز محل تحصیل خود را عنوان نکرده‌اند.

روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی (توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پژوهش) بود. به این ترتیب که نخست در مطالعات کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی پیرامون مسئله تحقیق و چارچوب نظری و راه‌های بررسی مشخص شده سپس داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد که مؤلفه‌های اصلی و سؤال‌های آن از کتاب الگوهای تدریس جویس و همکاران استخراج شد. پرسش‌نامه تهیه شده شامل ۳۶ گویه و دارای چهار خرده مقیاس است که ۱۷ آیتم (سؤالات ۱ تا ۱۷) مربوط به خانواده‌ی الگوهای اطلاعات پردازشی، ۵ آیتم (به ترتیب سؤالات ۱۸ تا ۲۲) مربوط به خانواده الگوی اجتماعی، ۹ آیتم (سؤالات ۲۳ تا ۳۱) مربوط به خانواده الگوی انفرادی و ۵ آیتم (سؤالات ۳۲ تا ۳۶) مربوط به خانواده الگوی سیستم‌های رفتاری بود. پرسش‌نامه در طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت تنظیم شد که گزینه‌های آن از خیلی کم تا خیلی زیاد است و شیوه نمره‌گذاری به ترتیب به خیلی کم نمره ۱، کم نمره ۲، متوسط نمره ۳، زیاد نمره ۴، خیلی زیاد نمره ۵ می‌باشد؛ و نمره‌گذاری معکوس ندارند. برای بررسی روایی صوری و محتوایی آن از نظرات اساتید و متخصصان گروه علوم تربیتی استفاده شد.

پایایی ابزار گردآوری اطلاعات (پرسشنامه)

برای سنجش پایایی پرسشنامه الگوهای نوین یاددهی یادگیری ابتدا ۳۰ عدد پرسشنامه اجرا شد که پایایی کل پرسشنامه ۰/۹۴ و پایایی الگوی اطلاعات پردازشی ۰/۹۴، الگوهای اجتماعی ۰/۷۵، الگوهای انفرادی ۰/۸۳ و الگوهای رفتاری ۰/۷۸ به دست آمد که نشان می‌دهد پرسشنامه پایایی قابل قبولی دارد.

ضریب پایایی متغیرهای پژوهش در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول (۲) پایایی براساس آلفای کرونباخ

مؤلفه‌ها	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
----------	------------	---------------

اطلاعات پردازی	۱-۱۷	۱۷	۹۴٪
الگوهای اجتماعی	۱۸-۲۲	۵	۷۵٪
الگوهای انفرادی	۲۳-۳۱	۹	۸۳٪
سیستم‌های رفتاری	۳۲-۳۶	۵	۷۸٪
پایایی کل	۱-۳۶	۳۶	۹۴٪

یافته‌ها

از روش آمار توصیفی مانند جدول فراوانی، درصد میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره و آمار استنباطی مثل آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون T تک گروهی جهت بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ استفاده شده است.

جدول (۳) میانگین متغیرها

شاخص	میانگین (M)	انحراف معیار SD	حداقل نمره Min	حداکثر نمره Max	تعداد n
اطلاعات پردازی	۴/۳۶	۴۷٪			۱۷۷
الگوهای اجتماعی	۴/۱۳	۶۰٪			۱۷۷
الگوهای انفرادی	۴/۲۵	۵۳٪			۱۷۷
سیستم‌های رفتاری	۳/۳۷	۷۴٪			۱۷۷
الگوهای نوین یاددهی-یادگیری	۴/۱۲	۴۴٪			۱۷۷

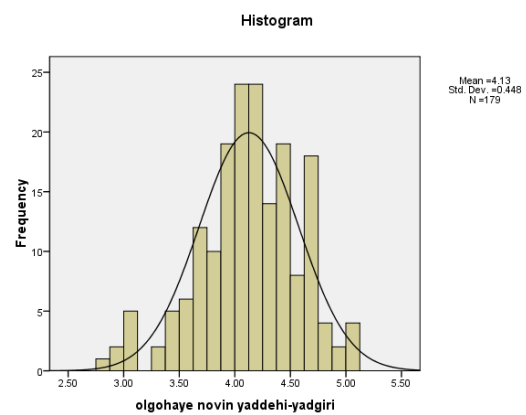
نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به متغیر الگوهای اطلاعات پردازی با میانگین ۴/۳۶ و انحراف معیار ۴۷٪ و کمترین میانگین مربوط به متغیر الگوهای سیستم‌های رفتاری با میانگین ۳/۳۷ و انحراف معیار ۷۴٪ است؛ میانگین متغیرهای الگوهای اجتماعی ۴/۱۳ و انحراف معیار ۶۰٪ و میانگین الگوهای انفرادی ۴/۲۵ و انحراف معیار ۵۳٪ است.

پیش‌فرض استفاده از آزمون‌های آماری پارامتریک:

جدول (۴) نتیجه آزمون کالموگروف - اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	تعداد نمونه	مقدار Z	سطح معناداری
الگوهای نوین یاددهی یادگیری	۱۷۹	۰/۷۰۲	۰/۷۰۷
الگوی اطلاعات پردازشی	۱۷۹	۱/۳۲۷	۰/۰۵۹
الگوی اجتماعی	۱۷۹	۱/۳۵۵	۰/۰۵۱
الگوی انفرادی	۱۷۹	۱/۱۵۹	۰/۱۳۶
الگوی رفتاری	۱۷۹	۱/۲۸۹	۰/۰۷۲

با توجه به نتایج آزمون کالموگروف- اسمیرونوف در جدول (۴) می‌توان اظهار نمود که متغیرهای اصلی پژوهش یعنی الگوهای نوین یاددهی یادگیری (و همه مؤلفه‌ها) نرمال می‌باشند؛ زیرا سطح معناداری مقادیر Z در هریک از متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد ($p > 0.05$)؛ بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتری برای تحلیل سؤال‌های پژوهش استفاده کرد.



نمودار (۱) توزیع فراوانی میزان آشنایی معلمان مقطع ابتدایی شهر همدان با الگوهای نوین یاددهی یادگیری به همراه منحنی توزیع نرمال

تجزیه و تحلیل سؤالات پژوهش:

پرسش اول: میزان آشنایی با الگوهای نوین یاددهی یادگیری و میزان به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس در بین آموزگاران زن دوره ابتدایی شهر همدان چقدر است؟

جدول (۵) بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با الگوهای نوین یاددهی یادگیری و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس با استفاده از آزمون t تک گروهی:

شاخص	میانگین	انحراف	میانگین	مقدار	درجه	سطح
متغیر	مشاهده شده	استاندارد	آماري ^۲	آماره	آزادی	معناداری
میزان آشنایی با الگوهای نوین						
یاددهی	۴/۱۲	۰/۴۴	۳	۳۳/۶۷	۱۷۸	**۰/۰۰۰۱
یادگیری و نحوه						
به کارگیری آن‌ها در فرایند						
تدریس						

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

نتایج آزمون t تک گروهی در جدول (۵) نشان می‌دهد میانگین میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با الگوهای نوین یاددهی یادگیری و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس ۴/۱۲ با انحراف معیار ۰/۴۴ به دست آمده است که از میانگین آماری (۳) بزرگ‌تر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($p < ۰/۰۱$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با الگوهای نوین یاددهی یادگیری و میزان به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بالاتر از حد متوسط است. (۳)

پرسش دوم: میزان آشنایی با خانواده الگوهای اطلاعات پردازی و میزان به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس در بین آموزگاران مؤنث دوره ابتدایی شهر همدان چقدر است؟
جدول (۶) بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با الگوهای اطلاعات پردازی و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس با استفاده از آزمون t تک گروهی:

شاخص	میانگین	انحراف	میانگین	مقدار	درجه	سطح
متغیر	مشاهده شده	استاندارد	آماري	آماره	آزادی	معناداری
میزان آشنایی با الگوهای						
اطلاعات پردازی و نحوه	۴/۳۶	۰/۴۷	۳	۳۸/۶۴	۱۷۸	**۰/۰۰۰۱
به کارگیری آن‌ها در فرایند						
تدریس						

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

نتایج آزمون t تک گروهی در جدول (۶) نشان می‌دهد میانگین میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با خانواده الگوهای اطلاعات پردازی و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس ۴/۳۶ با انحراف معیار ۰/۴۷ به دست آمده است که از میانگین آماری (۳) بزرگ‌تر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($p < ۰/۰۱$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان

—میانگین آماری هر گویه در مقیاس پرسشنامه الگوهای نوین یاددهی یادگیری ۳ است زیرا $۱۵ \div ۵ = ۳$ $۱+۲+۳+۴+۵=۱۵$

آشنایی معلمان دوره ابتدایی با خانواده الگوهای اطلاعات پردازی و میزان به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بالاتر از حد متوسط (۳) است.

پرسش سوم: میزان آشنایی با خانواده الگوهای اجتماعی و میزان به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس در بین آموزگاران مؤنث دوره ابتدایی شهر همدان چقدر است؟
جدول (۷) بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با الگوهای اجتماعی و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس با استفاده از آزمون t تک گروهی:

شاخص متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان آشنایی با الگوهای اجتماعی و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس						
	۴/۱۳	۰/۶۰	۳	۲۵/۰۸	۱۷۸	**/۰/۰۰۱

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

نتایج آزمون t تک گروهی در جدول (۷) نشان می‌دهد میانگین میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با خانواده الگوهای اجتماعی و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس ۴/۱۳ با انحراف معیار ۰/۶۰ به دست آمده است که از میانگین آماری (۳) بزرگ‌تر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($p < ۰/۰۱$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با خانواده الگوهای اجتماعی و میزان به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بالاتر از حد متوسط (۳) است.

پرسش چهارم: میزان آشنایی با خانواده الگوهای انفرادی و میزان به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس در بین آموزگاران مؤنث دوره ابتدایی شهر همدان چقدر است؟
جدول (۸) بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با الگوهای انفرادی و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس با استفاده از آزمون t تک گروهی:

شاخص متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان آشنایی با الگوهای انفرادی و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس						
	۴/۲۵	۰/۵۳	۳	۳۱/۳۵	۱۷۸	**/۰/۰۰۱

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

نتایج آزمون t تک گروهی در جدول (۸) نشان می‌دهد میانگین میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با خانواده الگوهای انفرادی و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس ۴/۲۵ با انحراف معیار ۰/۵۳ به‌دست‌آمده است که از میانگین آماری (۳) بزرگ‌تر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($p < 0/01$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با خانواده الگوهای انفرادی و میزان به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بالاتر از حد متوسط (۳) است.

پرسش پنجم: میزان آشنایی با خانواده الگوهای رفتاری و میزان به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس در بین آموزگاران مؤنث دوره ابتدایی شهر همدان چقدر است؟

جدول (۹) بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با الگوهای رفتاری و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس با استفاده از آزمون t تک گروهی:

شاخص متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان آشنایی با الگوهای رفتاری						
و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس	۳/۳۷	۰/۷۴	۳	۱۳/۵۴	۱۷۸	**/۰۰۰۱

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

نتایج آزمون t تک گروهی در جدول (۹) نشان می‌دهد میانگین میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با خانواده الگوهای رفتاری و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس ۳/۳۷ با انحراف معیار ۰/۷۴ به‌دست‌آمده است که از میانگین آماری (۳) بزرگ‌تر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($p < 0/01$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با خانواده الگوهای رفتاری و میزان به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس بالاتر از حد متوسط (۳) است.

بحث و نتیجه‌گیری

الگوهای تدریس یک طرح و برنامه کلی است که فراگیر را در یادگیری انواع مطالب و مهارت‌ها و نگرش‌ها یاری می‌دهد. این الگو در ۴ طبقه قرار دارد: ۱- الگوهای انفرادی ۲- الگوهای اجتماعی ۳- الگوهای پردازش اطلاعات ۴- الگوهای سیستم رفتاری هرکدام از این الگوها به زیرشاخه‌های مختلف از الگوها تقسیم‌شده‌اند. این الگوها دارای مراحل نیز هستند که پیشبرد امر تدریس را آسان می‌کنند. الگوهای تدریس برای رسیدن به اهداف و مقاصد آموزشی مناسب هستند و باعث ایجاد مهارت‌ها و راه‌های تفکر در دانش آموزان می‌شوند. این الگوها رویکردهای وسیع آموزشی را در خوددارند و شامل جهت‌دهی‌های عمده روان‌شناسی و فلسفی هستند (جوینس و همکاران، ترجمه مهر محمدی، ۱۳۸۵).

پرسش اول پژوهش: «میزان آشنایی و به‌کارگیری الگوهای نوین تدریس در چه حدی می‌باشد؟» نتایج پژوهش نشان داد میزان شناخت و به‌کارگیری الگوهای نوین تدریس، بالاتر از سطح متوسط می‌باشد که با پژوهش نظری و همکاران (۱۳۹۷)، محققان و همکاران (۱۳۹۱) و لک هندی (۱۳۸۲) هم سو می‌باشد.

پرسش دوم تحقیق «میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای پردازش اطلاعات» از سطح متوسط بالاتر می باشد که با نتیجه پژوهش محققان و همکاران (۱۳۹۱)، لک هندی (۱۳۸۲) و اسمیت (۲۰۰۵) مطابقت و همسویی دارد که نشان می دهد مدرسانی که از مهارت دانش فراشناختی بالایی برخوردار باشند از قابلیت بالایی در مرحله پیش از تدریس و برنامه ریزی برای کلیه مراحل تدریس برخوردار هستند. از آنجایی که فراشناخت آن گونه که روان شناسان مطرح کرده اند، دانش پیرامون فعالیت های تفکر و یادگیری و کنترل آن هاست و نیز در فراشناخت فراگیران باید بر فرایندهای ذهنی خود نظارتی فعال داشته باشند و فعالیت های ذهنی خود را تنظیم و بازسازی کنند. مدرسانی که به این امر آگاهی داشته باشند می دانند که چگونه می شود یادگیری را با پردازش اطلاعات در ذهن فراگیر انجام داد؛ یعنی می دانند که چگونه می شود موقعیتهایی را برای یادگیرنده ایجاد کرد که مطالب را بیاموزد و آن ها را باهم مرتبط سازد که درنهایت خود فراگیر روی یادگیری اش کنترل داشته باشد؛ بنابراین پژوهش نشان داد که معلمان علاوه بر این که به این امر آگاهی دارند بلکه آن را در فرایند تدریس خود به کار می گیرند.

پرسش سوم «میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای اجتماعی» نتایج پژوهش نشان داد که میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای اجتماعی معلمان ابتدایی بالاتر از سطح متوسط می باشد. الگوهای اجتماعی نقش آماده سازی فراگیران برای مشارکت در کارها، بحث گروهی، تقسیم کار و مسئولیت و سازمان دهی فعالیت ها را دارند. همچنین فرد را از خودبیگانگی و تعارض اجتماعی دور می سازند. معلمان هم نشان دادند که در این زمینه از مهارت بالایی برخوردارند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش محققان و همکاران (۱۳۹۱)، لک هندی (۱۳۸۲) هم سویی دارد. همچنین با پژوهش های ملازمانی (۱۳۸۷)، ملکوتی (۱۳۸۸)، عزتی و فهامی (۱۳۸۸) مطابقت و همسویی دارد. این پژوهشگران روی الگوهای اجتماعی کار کردند و به این نتیجه رسیدند که الگوهای اجتماعی بر میزان آگاهی و عملکرد دانش آموزان تأثیرگذار بوده. همچنین تدریس در گروه های کوچک که از الگوهای اجتماعی است، فراگیران را با مشکلاتی که در بزرگ سالی بر سر راه زندگی اجتماعی آن ها وجود دارد آشنا می کند و راه مقابله و برطرف کردن مشکلات را به آنان می آموزد. درواقع این نوع آموزش تمرینی کوچک برای رسیدن به زندگی اجتماعی بهتر است. در جریان کار گروهی، فراگیر علاوه بر تجربه اندوزی در تقسیم کار و مسئولیت، تجربیاتی نیز درزمین مدیریت و سازمان دهی فعالیت ها به دست می آورد. همچنین بحث گروهی باعث یادگیری عمیق تر و ماندگارتر می شود. تأثیر یادگیری مشارکتی نیز بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان اثر معنادار داشته است.

پرسش چهارم «میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای تدریس فردی در میان آموزگاران مدارس دخترانه شهر همدان تا چه حد است؟» نتایج نشان داد که شناخت و استفاده از این الگو در بین معلمان از حد متوسط بالا می باشد. نتیجه پژوهش با نتایج پژوهش های محققان و همکاران (۱۳۹۱)، مازلو (۱۹۶۹) مطابقت و همسویی دارد. خودشکوفایی که از الگوهای انفرادی است به صورت شایستگی، تسلط یابی در یک مهارت، کسب موفقیت در یک برنامه و احساس توانمندی در افراد مختلف نمایان می شود. فرد زمانی به شکوفایی می رسد که احساس کند از تمام توانایی اش استفاده کرده و به موفقیت رسیده است.

پرسش پنجم «میزان شناخت و به کارگیری الگوهای نوین تدریس مبتنی بر الگوهای تدریس رفتاری در میان آموزگاران مدارس دخترانه شهر همدان تا چه میزان است؟» نتایج پژوهش نشان داد که میزان شناخت و استفاده از الگوهای تدریس رفتاری

مبتنی بر الگوهای رفتاری بالاتر از حد متوسط می‌باشد. این پژوهش با نتایج پژوهش‌های محققان و همکاران (۱۳۹۱)، جیلز (۲۰۰۳) و جلالی و نظری (۱۳۸۱) همسو می‌باشد. این پژوهشگران دریافتند که یادگیری مشارکتی در ایجاد نگرش مثبت فراگیران و ایجاد تعامل با دیگر فراگیران و کارکردن با یکدیگر مؤثر است و آموزش الگوی یادگیری اجتماعی بر عزت‌نفس، اعتماد به نفس، رفتارهای خود ابرازی و پیشرفت تحصیلی فراگیران تأثیر بسزایی دارد.

با توجه به نتایج پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- انجام پژوهش‌هایی دیگر با همین عنوان (به‌ویژه به‌صورت کیفی) برای مقاطع مختلف تحصیلی (ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم) و هر دو جنسیت (پسر و دختر) و مقایسه آن‌ها با یکدیگر و قرار دادن نتایج آن‌ها در اختیار آموزش و پرورش جهت استفاده در کیفیت بخشی به امر آموزش و تدریس.
- ۲- انجام پژوهش‌های مرتبط در راستای استفاده از نتایج آن‌ها به منظور نیازسنجی و برنامه‌ریزی برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دانش‌افزایی در رابطه با الگوهای جدید یاددهی و یادگیری برای معلمان مقاطع مختلف.
- ۳- نظرسنجی از دانش‌آموزان مقاطع مختلف به‌ویژه مقاطع راهنمایی و متوسطه از طریق انجام یک طرح پژوهشی جهت تعیین نظرات آن‌ها در رابطه با الگوهای نوین تدریس و میزان رضایت آن‌ها از نحوه و میزان استفاده معلمان از روش‌های نوین تدریس با توجه به موضوعات درسی مختلف.
- ۴- انجام پژوهش‌های کاربردی در رابطه با میزان نتایج و تأثیرات مثبت استفاده از الگوهای جدید تدریس برافزایش دانش، توانایی و نگرش دانش‌آموزان.

منابع

- اسباه، فاطمه؛ لطیفی فر، رضا؛ منصوری، ایوب. (۱۳۹۵). بررسی و معرفی روش‌ها و الگوهای نوین تدریس در راستای بهبود امر یاددهی- یادگیری. نخستین همایش ملی برنامه‌ریزی و تحول نظام آموزشی، قم: دانشگاه پیام نور استان قم.
- اکبری، احمدرضا؛ رجایی پور، سعید. (۱۳۸۹). تأثیر شیوه‌های مختلف تدریس در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت دبیران شیمی دوره متوسطه. فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ش ۲۵، ص ۱۴۲.
- اولسون، متیو؛ هرگنهان، بی آر. (۲۰۲۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری (ترجمه علی اکبر سیف). تهران: دوران
- پاسبان کومله، سید محمدجواد. (۱۳۹۵). الگوهای نوین توسعه حرفه‌ای معلمان (اقدام پژوهی- درس پژوهی- روایت پژوهی). دومین همایش ملی تربیت معلم، اصفهان، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان.
- جلالی، داریوش؛ نظری، آذر. (۱۳۸۱). تأثیر آموزش الگوهای یادگیری اجتماعی بر عزت‌نفس، اعتماد به نفس، رفتارهای خود- ابرازی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کلاس سوم دوره راهنمایی. فصلنامه تحقیقات علوم و فناوری، ش ۱۳، ص ۴۳.
- جویس، بروس؛ ویل، مارشال؛ کالهن؛ امیلی. (۲۰۱۵). الگوهای تدریس (ابزارهایی برای تدریس)، ترجمه محمدرضا بهرنگی (۱۳۹۶)، تهران: سمت
- حبیبی، محمد. (۱۳۸۸). بررسی عملکرد معلمان در به‌کارگیری الگوهای تدریس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد ساری.

حسینی، محمدحسن. (۱۳۸۶). بررسی میزان استفاده از الگوهای تدریس در مدارس راهنمایی و متوسطه زنجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

حیدری، طوبی؛ کریمیان، نورالسادات؛ حیدری، زهرا؛ امیری، لیلا. (۱۳۸۸). مقایسه تأثیر تدریس به روش سخنرانی با بازخورد و سخنرانی به روش سنتی بر میزان یادگیری و کیفیت تدریس. فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی اراک، ش ۴۹، ص ۳۴.

زمانی، بی‌بی عشرت. (۱۳۸۱). ارائه الگوهای جدید تدریس در مقطع ابتدایی. طرح آموزشی. ص ۸۷.

سلیمان پور، جواد. (۱۳۸۴). مهارت تدریس نوین، چاپ اول. تهران: نشر احسن.

سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). پژوهش‌های تازه روان‌شناسی درباره روش‌های یادگیری و مطالعه. ویراست دوم. تهران: دوران

شعبانی، حسن. (۱۳۹۱). روش‌های تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر). تهران: سمت

شعبانی، حسن. (۱۳۹۵). مهارت‌های آموزشی (روش‌ها و فنون تدریس). تهران: سمت

عزیزی فتاح آباد، زهرا؛ عزیزی فتاح آباد، خدیجه؛ عزیزی فتاح آباد، جعفر. (۱۳۹۶). تأثیر شیوه‌های نوین تدریس بر تربیت نیروی انسانی کارآمد. سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

لک هنری، غلامرضا. (۱۳۸۲). بررسی میزان آشنایی معلمان دوره راهنمایی با الگوهای تدریس و میزان به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس در شهرستان الیگودرز در سال تحصیلی ۸۲-۸۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان. ص ۴۵.

محققیان، شهناز؛ احمدی، غلامرضا؛ سعادت‌مند، زهره. (۱۳۹۱). شناخت و کاربرد الگوهای نوین تدریس در میان اساتید گروه علوم انسانی. پژوهش در برنامه‌ریزی، سال نهم، ش ۸، صص ۴۸-۵۹.

معیری، محمد طاهر. (۱۳۸۰). مهارت‌های آموزش پرورش. چاپ ۱۲. تهران: سمت. ص ۵۶.

ملکوتی، محمد. (۱۳۸۸). تدریس در گروه‌های کوچک (بحث گروهی). فصلنامه راهبردهای آموزش، ش ۶، ص ۱۸۳.

منصوری جمشیدی، فتنه. (۱۳۹۴). مؤلفه‌های یادگیری در الگوهای نوین تدریس. دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.

مهرمحمدی. (۱۳۹۲). بازاندیشی فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت معلم، تهران: منادی تربیت.

نظری، خسرو؛ حجازی، اسد؛ محبی، محمدحسین؛ حسین پور، هدایت. (۱۳۹۷). بررسی میزان به‌کارگیری الگوهای نوین یاددهی - یادگیری جویس و همکاران در مدارس ابتدایی. آموزش پژوهی، ش ۱۲.

نقش‌بندی، آزاد؛ مصطفایی، میلاد؛ امینی، محسن؛ سلیمی، فرشید. (۱۳۹۶). نگاهی به روش‌ها و الگوهای نوین تدریس معلم در کلاس‌های چندپایه. همایش ملی علوم انسانی، تهران، شرکت توسعه دانش فرزندگان.

وکیلیان، منوچهر. (۱۳۹۰). روش‌ها و فنون تدریس (رشته علوم تربیتی)، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور

Chung N, Ro G. (2004). The effect of problem solving instruction on childrens creativity and self- efficacy in the teaching of the practical arts subject. The journal of technology studies, vol. 3(2), pp: 116-122.

Galbriath, M. W. (2001). Community college faculty development for minority. The Michigan community college journal, 8, 29-38.

Gillies R M. (2003). Cooperative learning, the Social and intellectual Outcomes of learning in groups. Routledge Falmer. New York. USA. PP 56-68.

Joyce B, Calhoun E, Hopkins D. (2011). Models of learning tools for teaching. 4th ed. Buckingham: Philadelphia.

Smith K j. (2005). Examining teachers, Pedagogical Decision Making Through Collaborative Metacognition. Dissertation, San Diego State University.

Sunny M S M Ed. (2004). Metacognition in the adult learner. From [http://www. Lifecircles-c.com/ metacognition.htm](http://www.Lifecircles-c.com/metacognition.htm). retrieved april 15, 2008.